

محبوبترینها، منفورترینها در سال ۱۳۷۹

به انتخاب نیما راشدان
Rashedan1@yahoo.com
http://nrashedan.tripod.com

محبوبترینها

مردمان چگونه عاشق می‌شوند؟ چطور است که انسان سیاه پوست از هر کشوری که باشد - تمام آرزوهای زخم خورده از تبعیض را - در قامت نلسون ماندلا برای لحظه‌ای متجلی می‌یابد؟ چرا هنوز سالواتور آلنده را دوست داریم و زچه رو حتی آنانکه خشونت را برنمی‌تابند، هزاران فرسنگ دورتر عاشقانه تصویر چه گوارای خشونت طلب را بر دیوار خانه خود آویخته‌اند؟ چرا طالقانی دو دهه پس از مرگ هنوز تا بدین حد محبوب است؟ چرا ایرانیان دکتر محمد مصدق را دوست دارند و چرا هیچ انسان عاقلی زاهدی را نمی‌ستاید؟ چرا امیر کبیرها - قائم مقامها جاودانه‌اند و جز آلودگی و فحشا هیچ بر صحیفه شاهان قجر و تبار دیگر ملوک خونریز ایرانی نقش نبسته‌است؟ چرا نیما یوشیج - خسرو گلرخی، علی شریعتی و کیانوری را دوست داریم و چگونه است که هیچکس به یاد دکتر تهرانی - احمدی و دیگر جلادان ساواک نمی‌گردد؟

شاید همانطور که دخترک هفده ساله عاشق می‌شود، جامعه نیز حق دارد در کسی دل بندند و شهروندان نیز می‌توانند یکی را دوست داشته و بر دیگری به اکراه نظر افکنند. شهروندی که قطار رویدادهای سیاسی سال ۷۹ را به نظاره نشسته‌است بی اختیار با گروهی از سیاستمداران و و دیگر کسانی که نامشان در اخبار روزانه بیشتر به چشم می‌خورد، با احساس همدردی و شاید دل‌بستگی بیشتری مواجه می‌گردد و طبعاً با نظاره برخی دیگر روی در هم می‌کشد.

اگرچه لغت منفور جایگزین مناسبی برای نامحبوب نیست اما بهر حال ۱۱ نام را تحت عنوان محبوبترینها و ۱۰ نام را در ذیل منفورترینها قرار داده‌ام. تا چقدر به آنچه که ایرانیان می‌اندیشند شبیه باشد ...

• - تویی که نامت را نمیدانم.

است، اما آیا اصرار ایرانیان خواهد توانست رئیس جمهور محبوبشان را بار دیگر در حماسه‌ای باشکوه‌تر از دوم خرداد به کاخ ریاست جمهوری بازگرداند؟
خاتمی رئیس جمهور بعدی ایران باشد یا خیر، مخالفان وی در داخل و خارج از ایران، هر قدر بکوشند کمتر در خنده دار نمودن این حقیقت موفق می‌شوند، که ایرانی سید محمد خاتمی را آگاهانه و با جان و دل برگزیده‌است.

۳ - زنده‌یاد احمد شاملو

آنکه هرگز از مرگ نهراسید - شیر آهنکوه مردا که تو بودی او مرگ چه کوچک می‌نماید در برابر شاملوی بزرگ، شاملوی آزادی و شاملوی زندگی - و تشییع ده هزار نفری پیکرش و حضور دهها هزار نفر در مراسم تسلیت به خانواده او حقیقتی عظیم را فریاد می‌کند، ایمان ایرانی، به روزی شاید نزدیک: روزی که تو بیایی - و مهربانی با زیبایی یکسان شود.

۴ - حجه الاسلام حسن یوسفی اشکوری

مردی که با اطلاع از عوارض شدید ناشی از بیماری قند و علیرغم تهدیدات مکرر دادگاه ویژه روحانیت به ایران بازگشت تا در قلب مردم ایران خیمه زند، حسن یوسفی اشکوری نام داشت. کسی که بخاطر لباسش بیش از تمامی شرکت کنندگان دیگر مورد توهین و تحقیر برخی از حاضرین در کنفرانس برلین قرار گرفت، او را پشت درهای همیشه بسته دادگاه ویژه رهبری به اتهام مسلمان بودن به اعدام محکوم نمودند تا دیگر کسی چون اشکوری در قول خداوند دل نبندد که ستمکاران را جزائی عظیم خواهد بود و پیروزی همواره در انتظار درستکاران است. اشکوری نیز مردانه چون عبدالله نوری نیز قله اعتماد شهروندان ایرانی یعنی بند ۳۲۵ اوین را فتح کرد.

۵ - دکتر سعید حجاریان

نوروز ۷۸ درخت جان سعید بار دیگر شکوفه زد، و چه لیخندها که بر لبان جاری شد و چه امیدها که پا گرفت و سعید باز آمد تا معلم صبر و امید باشد. گرچه اشک‌های کنار سفره هفت سین بیمارستان سینا به تاریخ پیوست، سعید را اما امروز دیگر همه می‌شناسند.

محبوبترین موجود سال ۱۳۷۹ مانند همه هزاران سال گذشته مردم شریف و بزرگوار ایرانند کشاورزانی که علیرغم چند سال خشکسالی متناوب باز امید از رحمت نامنتهی الهی بازنستاندند، معلمان بزرگمنشی که با حداقل حقوق و مزایا سال ۱۳۷۹ را نیز با آرزوی فردائی بهتر برای دانش‌آموزان به پایان بردند - دانشجویانی که علیرغم جفای عظیم واقعه کوی دانشگاه باز در قافله اصلاحات قدم برداشتند و همه آنانی که کوشیدند ایران بزرگ ما ایرانی باشد برای همه ایرانیان و ایران برای همه ایرانیان.

۱ - حضرت آیت الله العظمی منتظری

آیت الله منتظری یک دهه قبل مسند رهبری جمهوری اسلامی ایران را ترک گفت، او نخواست تا پس از فوت آیت الله خمینی در خیانتی که به نام اسلام و ولایت در حق آرمانهای اولیه انقلاب ۱۳۵۷ صورت گرفت شریک باشد، آنکه تنها کمی از تاریخ انقلاب را ورق زده باشد میداند که تمام حرفهای ۴ سال دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی را یک دهه قبل و در اوج خفقان سرزمینی که تماماً توسط علی فلاحیان اداره می‌شد منتظری با شجاعت بر زبان آورده بود او برآستی پدر اصلاحات در ایران و نخستین منتقد جدی سیاستهای اقتدارگرایانه محافظه کاران است و بیهوده نیست که ایرانیان تا بدین حد بر او دل‌بسته‌اند و هر که را که ایرانی دوست بدارد - مورد خشم و غضب مقام عظمای ولایت خواهد بود ...

سال ۱۳۷۹ سال انتشار خاطرات آیت الله العظمی منتظری مرجع اعلم جهان تشیع بود مردی که تاریخ را با مرکب سادگی و حقیقت، بدون توجه به خواست ارباب قدرت و به‌گونه‌ای دیگر نگاشت.

۲ - دکتر سید محمد خاتمی

چهار سال قبل ایرانیان مردی را که کرسی ریاست کتابخانه ملی را به قصد شرکت در کارزار انتخاباتی سال ۷۶ ترک گفته بود با ۲۰ میلیون رای یعنی بیشترین رای در تاریخ ایران به یک فرد حقیقی برای ایفای وظایف رئیس جمهور برگزیدند، او را دوست داشتند و او را دوست میدارند. خاتمی انسان متواضعیست که بارها به نحوی از عدم تمایل خود به شرکت در انتخابات ۱۳۸۰ سخن گفته

مرد کوتاه قامت بزرگی که خواب خوش صاحبان سرمست قدرت را برآشت، در حالیکه دستان را بالای سر برده بود مظلومیت حق طلبی را فریاد کرد - اکبر گنجی خوب میدانست قاضی جوانی که با نام مستعار مقدس مامور محکوم نمودن وی است خود از پیاله روح الهه حسینیان نوشیده است اما ایستاد و سخن گفت و مردانه پای در وادی خطر نهاد.

۷ - خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای

اگر کشف نفت در مناطقی از کشور ایران برای همیشه تاریخ این سرزمین را دگرگون ساخت، اعلام مخالفت خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای با اعدام دو نفر از عاملین قتل‌ها، نیز به استیلاي چند هزار ساله خشونت بر بخشی از ادب فارسی و منطق رایج ایران زمین پایان بخشید و مقدمه فردائی گشت که در آن کسی خواهان مرگ دیگری نیست.

۸ - خانواده روزنامه نگاران دربند.

اگر بازداشت روزنامه نگاران زندانی با هدف دلسرد کردن ایرانیان از مقوله اصلاحات صورت پذیرفته است، احترام و اعتقاد فوق العاده خانواده زندانیان دربند به رئیس جمهور منتخب، امید محافظه کاران را یکسره نقش بر آب کرد. آنان تحت شدیدترین فشارها قرار گرفتند تا مانند بسیاری از ایرانیان مرفه خارج از کشور اصلاحات را پدیده‌ای شکست خورده معرفی کنند، هیچیک از اعضای خانواده روزنامه نگاران حاضر نشد حتی یک کلمه در این راستا سخن گوید، آنان نیز چون دیگر ساکنان سرزمین خورشید عاشقانه به انتظار بهار نشستند و بهار می‌آید....

۹ - بهمن قبادی

زمانی برای مستی اسبها و زمانی برای دیداری تازه از کوه‌های بلند کردستان - قبادی در سرزمینی که بلوای دشمنان ایران زمین مدت‌ها آرامش را از آن زدوده بود، فیلمی را به همزبانان خود هدیه کرد که با امید به فردائی بهتر پایان می‌یافت او برآستی دریافته بود که برای احقاق حقوق انسانی، نامناسبترین وسیله تفنگ است و می‌بایست هر شعری که نشان از خون و انتقام دارد برای همیشه از ادبیات قومی که همواره عاشق بوده‌اند حذف گردد. زمانی برای مستی اسبها اینگونه موفق به اخذ بیشترین تعداد جوایز برای یک فیلم ایرانی گشت.

۱۰ - فاطمه حقیقت جو

فریاد نماینده جوان مردم تهران خطاب به رهبر انتقادناپذیر جمهوری اسلامی، سکوت

آخرین روزهای زمستان را شکافت، حقیقت‌جو نماینده مردمی ست که هر چه می‌کوشند نمی‌توانند بفهمند سید علی خامنه‌ای به اتکای کدام تخصص و کدام ویژگی شخصیتی مجاز است رای ملت ایران را به بازی گیرد.

مَدَائِدُ

۱ - حجه الاسلام سید علی خامنه‌ای

روزنامه‌ها را از تحقیق و تحلیل درباره ترور حجازیان بازداشت، مجلس را از تحقیق و تفحص در نهادهای تحت امر خود منع کرد - ۲۰ روزنامه با ۱۰ میلیون خواننده را به سلاح سپرد - قانون مطبوعات پیشنهادی سعید امامی را معادل حکم خدا و قرآن قرار داد - امر به بازداشت و محاکمه کرد، کودکانه در ریز و درشت و سیاست دخالت نمود و سید علی خامنه‌ای اینگونه منفورترین ایرانی سال ۱۳۷۹ لقب گرفت.

۲ - مسعود رجوی

اگر مسعود رجوی را از فراموش شدگانی بدانیم که بندگان وی در دستان صدام حسین روز بروز در حال فشرده شدن است، اگر از ماجرای فرودگاه لس آنجلس، اختلاس بزرگ در آلمان و تدابیر شدید اعضای اتحادیه اروپا علیه آن سازمان تروریستی مستقر در عراق بگذریم، نفرت ایرانیان از دیوانه‌ای را که در خانه دشمن به سرزمین مادری سنگ می‌پراند انکار نمی‌توانیم نمود.

۳ - حجه الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی

هاشمی رفسنجانی با آنچه در بهمن ۷۸ بر او گذشت، به تاریخ پیوسته بود او یکبار دیگر لجوجانه سر بر کشید و در خطبه‌های نماز جمعه تهران با الفاظی که صمیمی‌ترین دوستانش آنرا خودکشی سیاسی لقب دادند بر مردمی که به او رای نداده بودند تاخت.

۴ - علی جنتی

عضو فقهای شورای نگهبان که قامت وی از ۱۶۰ سانتی متر تجاوز نمی‌کند، با تقلب رسمی در انتخابات تهران آشکارا شکست یک نظام حکومتی در عرصه رقابت با رای مردم را به جهانیان اعلام نمود. جنتی با حذف نام رجائی و انتقال هاشمی رفسنجانی از رتبه ۳۳ تا ۲۰، دردناکترین تقلب تاریخ جمهوری اسلامی را به نمایش گذارد، آیا عدالت هنوز از شرایط فقهاست است و یا پس از انتصاب رهبر جمهوری اسلامی لغت ردالت برای احراز مرجعیت کفایت می‌نماید؟

۵ - سرتیپ پاسدار علی لاریجانی

رئیس صدا و سمیای دولتی ایران نیز که نقاط تاریکی چون همکاری با سعید امامی در جریان برنامه هویت، ترتیب دادن مصاحبه چراغ با حسینیان و سلیمی نمین بر کارنامه‌اش خودنمایی می‌کردند اینبار نیز در طرح کودتای کنفرانس برلین نقش مهمی را برعهده گرفت و بعدها در سناریوی اخلال در سفر مقامات آلمانی به تهران نیز هنرآفرینی نمود.

۶ - حسین شریعتمداری

بازجوی اسبق و تواب ساز کنونی در سال ۱۳۷۹ نیز بی هیچ تجدید نظر مسیر گذشته خود را پیمود، اگر شریعتمداری ۵ سال قبل از سرش و لیبرالها انتقاد می‌کرد و ۳ سال قبل مجبور به حمله به رئیس جمهور تازه انتخاب شد امروز استاد حسین، مجلس و نهادهای دیگری را پیش رو دارد که لازم است همه آنان را مورد حمله قرار دهد.

۷ - حجه الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای

محسنی اژه‌ای که ایرانیان او را در جریان محاکمه شهردار تهران شناختند برای طرفداران آیت الله العظمی منتظری چندان ناآشنا نبود - او با ایفای نقش فعال در جریانات مربوط به بیت معظم له، اثبات نموده بود که برای کسب قدرت از هر روش استفاده خواهد کرد و سرانجام علی خامنه‌ای او را به عنوان یکی از نزدیکان خود برگزید و در شکنجه و محکومیت هر نغمه مخالف دستانش را کاملاً باز گذارد، سال ۷۹ محسنی در چنان باطلاقی فررفت که دیگر امکان خروج از آن متصور نبود.

۸ - قاضی سعید مرتضوی

قاضی سعید مرتضوی نیز در سال ۷۹ به کتابسوزان خود ادامه داد او چندین نشریه را از حرکت باز ایستاند، چند روزنامه‌نگار را ماهها در سلول انفرادی نگاه داشت و بدینسان او نیز در تشبیت مقام خود کوشید - مرتضوی منفور خوانندگان دهها روزنامه اصلاح طلب و حتی منفور همکاران خود در دستگاه قضائی است، آیا فرزند قاضی مرتضوی می‌تواند، به آسانی نام پدر خود را در مدرسه برای دوستان دیگرش فاش کند؟

۹ - سید یحیی (رحیم) صفوی

اعلامیه سپاه پاسداران که در آن اصلاح طلبان به شکستن جمجمه با پتک تهدید شده بودند را رحیم صفوی فرمانده ۱۶۸ سانتی متری عاشقان ولایت ننوشته بود. اما او بعنوان مسئول سازمان نظامی تحت امر خود کاملاً مسئول انتشار بیانیه ایست که بیشتر به سوگنامه مرحوم سعید امامی شبیه بود تا اعلامیه روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۱۰ - خانم پروانه حمیدی

ایرانیان حق داشتند از شنیدن صدای لرزان و شرمسار مجری آلمانی بنیاد هاینریش بل را وقتی که گروهی وحشی راه‌کسانی که حتی آداب حضور در یک سمینار علمی را نمیدانند به سکوت دعوت می‌کرد بر خود بلرزند. مهرانگیز کار بعدها از عرق سرد خود در مشاهده آنچه در برلین گذشت سخن گفت، انتخاب ایرانیان بین مهرانگیز کار و پروانه حمیدی کاملاً مشخص است، زنی که کوشید تا حیثیت ملتی بزرگ و سرافراز را لکه دار نماید.